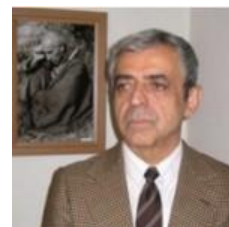


بحران هسته ای، توافق هسته ای و جشن مردمی



کوروش زعیم

این توافق هسته ای می توانست در طی دو سال آخر دولت هشتم به انجام برسد. ولی در آن زمان دولت محافظه کار امریکا و بریتانیا برنامه دیگری برای ایران و منطقه داشتند. با وجود اینکه دولت هشتم برای یک سال و نیم غنی سازی را متوقف کرده بود، امریکا در مذاکرات نهایی حاضر نشد و مذاکرات ناکام ماند.

در دوران مبارزه انتخاباتی ۱۳۸۴، من به میزگردهای سه دانشگاه، در تهران بعنوان نماینده ای از جبهه ملی ایران، دعوت شدم که در آنها نمایندگان ارشد نامزدهای شناخته شده ریاست جمهوری، رفسنجانی، کروبی، قالیباف، لاریجانی و معین حضور داشتند. دانشگاهها که محمود احمدی نژاد را نمی شناختند و به حساب نمی آوردند او را دعوت نکرده بودند. من در آن گردهمایی ها پس از ارائه تحلیل خود گفتم که هیچکدام از این نامزدهای حاضر انتخاب نخواهند شد. در پاسخ دانشجویی که با ناباوری و شاید کمی تمسخر پرسید پس چه کسی انتخاب خواهد شد؟ من پاسخ دادم، "کسی که در این میان نیست و انتخابش همه ما را شگفت زده خواهد کرد!" برخی نمایندگان نامزدهای معروف حاضر پوزخند زدند، و آقای رضوی فقیه که دکتر معین را نمایندگی می کردند با پرخاش به من گفتند که چه می گوئید، دکتر معین صد در صد رییس جمهور آینده است! من پاسخ دادم این غیرممکن است.

من از جو مذاکرات هسته ای احساس کرده بودم، که کاسه ای زیر نیم کاسه است. در روز سوگند خوری رییس دولت نهم، من در مصاحبه یک ساعته با یک تلویزیون فارسی زبان در امریکا که از موضع من تعجب کرده بود، گفتم که در شش ماه نخست، احمدی نژاد بیشترین تنش و بحران را در سطح بین المللی ایجاد خواهد کرد، و از آن پس همه چیز سرازیری خواهد بود. در میزگردهای کانال ۴ سحر به زبان انگلیسی، در سال اول دولت نهم که هنوز نام و عکس و قلم و صدای من ممنوع نشده بود، دو سه بار با برخی مسئولانی چون منوچهر متکی و تحلیلگران ارشد غربی مانند آلیستر کروک انگلیسی و ریچارد مورفی، معاون سابق وزیر خارجه امریکا، مناظره سه جانبه داشتیم. آقای متکی تحلیل من را که بیانیه شورای حقوق بشر و تحریم شورای امنیت صد در صد تصویب خواهند شد، و این مکرر ادامه خواهد یافت، تکذیب و "غیرممکن" خواند، ولی طرفهای غربی با محافظه کاری دیدگاه من را "ممکن" دانستند.

شش ماه بعد همان تلویزیون امریکا برنامه یک ساعته ای برای من گذاشت، و پرسید که تا حالا آنچه پیش و پس از انتخابات گفته بودم درست درآمده، از این پس چه خواهد شد؟ پاسخ دادم، از این پس، ما در مسیری خطرناک و سرازیری بسوی بحرانی فزاینده و تحریم های نابود کننده و احتمالاً جنگ داخلی برای تجزیه کشور خواهیم بود. خوشبختانه دولت نهم و دهم با وجود تحمیل هزینه اش به مردم، و با وجود آسیب هزار میلیارد دلاری به کشور، موفق نشد ساختار ملی ایران را بکلی از هم بپاشاند و به درگیری های داخلی بکشانند. در این میان دولت جدید امریکا و اتحادیه اروپا راهبرد خود را در منطقه خاورمیانه ۱۸۰ درجه نسبت به راهبرد دولتهای محافظه کار پیشین تغییر دادند، که در این باره هم نوشتم.

از دیدگاه منافع ملی، توافق هسته ای امروز، که مذاکراتش از یک سال پیش از پایان دوره دولت دهم با همین شخصیت ها آغاز شده بود، گامی بلند و مثبت در راستای توقف ماجراجویی های سیاسی جمهوری اسلامی است.

این ماجراجویی‌ها که گونه‌ای بهانه‌سازی برای بدخواهان بین‌المللی ما و تحمیل تحریم‌های ویرانگر بر ملت ما بوده در شرف پایان است. آنان که دلواپسند برآستی باید دلواپس باشند که بزودی کارنامه اعمالشان رسوایشان خواهد کرد.

در هر حال، ما باید این رویداد را به فال نیک بگیریم که شاید برآستی سیاست راهبردی غرب از ناتوان‌سازی ایران به توانمندسازی ایران تغییر مسیر داده باشد. این جشن گرفتن مردم نشانه شادی نیست، بلکه بازتاب جرقه‌ای از امید در اوج استیصال است، و از توقف احتمالی یک مسیر فاجعه‌بار. من تأسف می‌خورم که ملت ما باید همیشه توافق برای توقف ویرانگری حاکمیت خود را جشن بگیرد.

ما در این سی و چند سال دو جشن مردمی داشته‌ایم، یعنی رویدادهایی که مردم بطور خودجوش نفس راحت کشیده‌اند و رهایی از خطر را جشن گرفته‌اند. یک جشن پس از امضای قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ عراق بود؛ جنگی که با بی‌خردی و سوءمدیریت حاکمیت بر ما تحمیل شد و بی‌دلیل تداوم یافت، و طی هشت سال بیش از هزار میلیارد دلار به کشور زیان وارد آورد، صدها هزار تن را شهید و زخمی و معلول کرد، و اقتصاد ما را به ویرانی کشید. من در آن زمان در مقاله‌ای، یک جنگ فرسایشی با عراق را چندماه پیش از وقوع هشدار داده بودم. اگر یک شهروند عادی می‌تواند وقوع یک فاجعه را پیش‌بینی کند، نمی‌شود پذیرفت که حاکمیت نمی‌دانسته سیاست‌هایش می‌تواند فاجعه‌به‌بار آورد.

جشن دیگر، امروز برای پذیرش توافق هسته‌ای با شش قدرت جهانی و پایان دادن تدریجی به بیش از سی تحریم بین‌المللی است که با بی‌خردی و سوءسیاست حاکمیت (و عمد دولت نهم و دهم) بر ملت ایران تحمیل شده بود. در این ماجرا هم تحریم‌های بین‌المللی با یاری کلان‌دزدان وابسته به حاکمیت و مقام‌های به‌قدرت نشانده شده، بیش از یک هزار میلیارد دلار دیگر به ملت زیان زدند و کشور را که پس از پایان جنگ عراق می‌رفت که خود را بازسازی کند، به یک ویرانه اقتصادی، اجتماعی و زیستی تبدیل کردند. این فاجعه را هم من در سال نخست دولت نهم بارها هشدار دادم، در دولت دهم سخت‌تر هشدار دادم؛ ولی دهها بار با احضار و تهدید به من هشدار دادند که سکوت کنم، و سه بار هم به زندان افتادم. پس ایجاد شرایط وقوع این فاجعه هسته‌ای هم نمی‌توانسته بر مجریان آن نامعلوم بوده باشد.

در هر حال شادمانیم که با انجام این توافق بسیار ضروری سیر ویرانی کشور کند خواهد شد و فشار اقتصادی روی مردم کاهش پیدا خواهد کرد. شاید هم روزنه‌ای پیدا شود تا مردم بتوانند ناراحتی‌ها و خواسته‌های خود را بدون خطر دستگیری و زندان ابراز کنند.

کوروش زعیم

هموند شورای مرکزی جبهه ملی ایران

تهران - 23 تیر 1394 - 14 ژوئیه 2015م